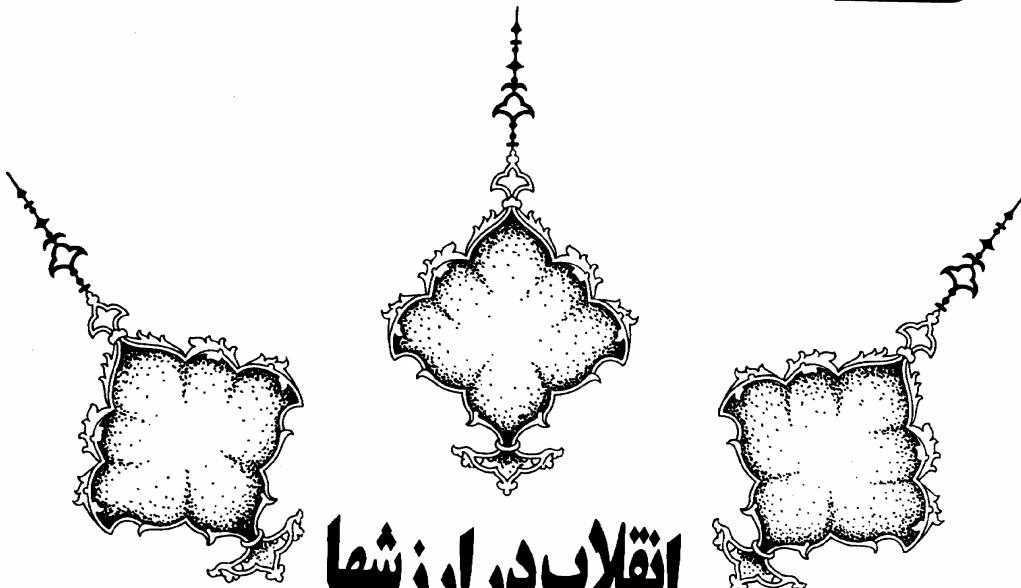


انقلاب در ارزشها



در کشور ایران قبل از پیروزی انقلاب، ارزش‌های شاهنشاهی و فرهنگ سرمایه‌داری وابسته حاکم بود و این تفکر در کلیه شئونات مملکتی رواج داشت. بر مبنای این تفکر، منافع شخص شاه و دربار او بر منافع تمام ملت ترجیح داشت و تمام دستگاه‌های دولتی ماموریت داشتند که در این جهت حرکت نمایند. حاکمیت شخص شاه و خانواده او خصوصاً در دراز مدت این اثر فرهنگی را به مراد داشت که هر فردی در داخل کشور تبدیل به شاهکی شده بود که جز تامین منافع خود و خانواده‌اش هدفی را دنبال نمی‌کرد. بر مبنای این فرهنگ اصالت، با منافع فردی است و

انقلاب در لغت به معنی دگرگون شدن، زیوروشدن، برگشتن، تغیر، تحول، تبدل و حرکت عده‌ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی جدید است. بنابراین در انقلاب یک جایجایی حکومت و ارزشها وجود دارد که عامل آن بی‌ارزشی ارزش‌های گذشته نزد مردم و درخواست ارزش‌های جدید از جانب آنان است. ارزش‌های گذشته وابسته به حاکمین قبلی و نوع تفکر آنان و ارزش‌های جدید سمبول تئکر انقلابی است که حاکمیت جدید را تشکیل داده است.

را پوشش می‌دهد. از آنجاکه اسلام دینی کامل و صاحب‌ایده در کلیه امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، حکومتی و حتی مسائل فردی و روابط انسانی است، انقلاب نیز که برگرفته از چنین اندیشه‌ای است در تمام زمینه‌ها دارای طرح و برنامه است. به عنوان مثال اسلام، در زمینه حکومت، حاکمیت کفار بر مسلمانان را نمی‌پذیرد و سلطه اجنبی را رد می‌کند. در زمینه مسائل سیاسی استبداد رأی و شیوه دیکتاتوری را بطور مطلق متروک دانسته و مردم را به شنیدن اقوال گوناگون و انتخاب بهترین حرف‌ها سفارش می‌کند. در اینجا این برداشت وجود دارد که لازمه اجرای چنین اصلی آماده بودن زمینه برای طرح نظریات مختلف در حکومت اسلامی است. در مورد مسایل اقتصادی اسلام به هیچ وجه جامعه طبقاتی را تأیید نمی‌کند و وجود اینوی گرسنه در کار محدودی مرffe را مردود می‌داند. اسلام عدالت اقتصادی و اجتماعی را در دستور کار خود دارد که در آن برخورداری اکثریت مردم از حداقل نیازهای اقتصادی، در اولویت اول است. در مسائل فرهنگی، اسلام منادی عشق و ایثار و فداکاری است. در این فرهنگ خودپرستی مذموم و خدمت به خلق تقدیر می‌شود. در این مکتب از خودگذشتگی و فداکاری برای مسلمین و دیگر هموطنان ارزش‌گذاری شده و از بالاترین عبادات محسوب گردیده است. تفکر اسلامی، دفاع از منافع ملت ایران و مسلمانان جهان را اصل دانسته و بهیچوجه در پی تامین منافع یک فرد یا یک خانواده نیست. این تفکر خدا را در کلیه شونات زندگی اعم از فردی و اجتماعی ناظر دانسته و هر حرکت انسان در ارتباط با او معنی پیدا می‌کند.

با توجه به نکات فوق و معنی انقلاب مشخص می‌گردد که دگرگونی اساسی در مردم ایران و تحول عقیدتی و فرهنگی در آنان چنان انقلاب عظیمی را

جمع و جامعه و اجتماع و مردم، محلی از اعراب ندارند. در این تفکر چشم‌پوشی از منافع فردی بخاطر جامعه نوعی عوامی تلقی می‌شود و حرکت در این جهت ناشی از بیماری روانی است.

اصالت دادن به منافع فردی در این بینش تا جایی پیش می‌رود که اصول مملکت دوستی و دفاع از آب و خاک و مردم ارزش خود را از دست داده و دفاع از منافع شخصی جایگزین آن می‌شود. آنچه در این طرز تفکر اصالت دارد تامین منافع فردی است و اینکه تامین کننده کیست و چه نیاتی را دنیال می‌کند اهمیت ندارد. در این تلقی آنچه مهم است قدرت و تامین آن می‌باشد. اینکه تامین کننده خارجی است یا داخلی، بیگانه است یا خودی، محلی از اعراب ندارد و باید منسی واقع شود.

با بررسی این نوع تفکر، جای هیچگونه شکی باقی نمی‌ماند که حاکمین چنین اندیشه‌ای با توجه به خصلت استبدادی و عدم تحمل نظریات مخالف، پشتیبانی مردم را از داده و بر نیروهای خارجی متکی می‌شوند و از نظر سیاسی به حکومتی زیر سلطه بیگانه تبدیل می‌گردند. اثر فرهنگی چنین حکومتی حاکمیت تفکر رفاه طلبی، سودپرستی، خوشگذرانی، فساد، بی تفاوتی نسبت به سرنوشت کشور و هموطنان، بی توجهی به مسائل دینی، انسانی و اخلاقی و در نهایت ارزش یافتن پول و مادیات و حاکمیت آن بر کلیه شئون است.

اگر بخواهیم شرایط حاکم بر کشور در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را بطور دقیق مورد مطالعه قرار دهیم نیاز به دهها کتاب و مقالات متعدد است، اما در اینجا بهمین مختصر بسنده می‌کنیم و به مشخصه‌های انقلاب می‌پردازیم.

تفکر حاکم بر انقلاب، تفکر اسلامی است و این فکر با توجه به همه جانبه بودنش ابعاد گوناگون انقلاب

کمر مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌ام، این جوان ایشانگر باوجود اینکه توان تکان خوردن نداشت همچنان با روحیه قوی و لبهای خندان به شرح ماقع ادامه می‌داد و در همان حال نیز علیه رژیم تبلیغ می‌کرد. وی تنها مسئله‌ای که برایش مطرح نبود تیرخوردن، زخمی شدن و شاید فلج شدن در آینده بود. او فقط و فقط به هدف که پیروزی انقلاب اسلامی بود فکر می‌کرد. پس از دیدار با این مجاهد حقیقی به اطاقی که یکی از جوانان در آن بستره بود رفتیم. این جوان حدود ۱۷ سال داشت و از ناحیه چانه مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود. منظره ظاهری صورت بسیار دلخراش بود زیرا گلوله بخشی از فک پائین را بهمراه چانه برده بود و خونریزی غیرقابل کنترلی ادامه داشت. پدر جوان که یک فرد روحانی بود بالای سرش ایستاده بود و با متناسب تمام صحنه دلخراش را تحمل می‌نمود. وضعیت مجروح به گونه‌ای بود که در ابتدا توان سخن گفتن نداشتم، ولی پس از دقایقی بخود فشار آورده و به پدر گفتیم: حاج آقا خدا قبول کنند. چنین پدری را چنان فرزندی باید. فرد روحانی نگاهی کرد و پاسخی نگفت. سکوت‌ش بسیار معنی‌دار بود و شاید می‌خواست بگویید که نسل ساخته شده تفکر امام خمینی، باید چنین باشد. سپس به سراغ خود مجروح رفت، گرچه رمق حرف زدن نداشت ولی جمله‌ای گفت که تا آخرین لحظات زندگی آن را فراموش نخواهم کرد. وقتی می‌خواستم به او دلاری بدهم، اظهار داشتم که انشاء‌الله بزودی خوب می‌شوی و دوباره به مبارزه ادامه می‌دهد. در پاسخ اظهار داشت: «این دندان که چیزی نیست، تمام وجودم فدای خمینی». اشک در چشم‌مانم حلقه زد و نمی‌دانستم چه بگویم. خدا می‌داند که با تمام وجود در مقابلش احساس کوچکی می‌کرم. زیانم بند آمده بود فقط توانستم دستش را بفشارم و اطاق را ترک کنم.

بوجود آورد. در این دگرگونی، انسان شاهنشاهی به انسان مسلمان تبدیل شد و این تحول توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی انجام پذیرفت. در این تغییر انسان خود خواه به انسان خداخواه و انسان منفعت طلب به انسان ایشانگر و انسان فردی به انسان اجتماعی و در یک کلمه انسان مادی به انسان معنوی مبدل گردید. اکنون برای عینی شدن نظریه فوق به ذکر چند نمونه از دوران انقلاب اسلامی می‌پردازیم تا هرچه بہتر تحول اساسی در وجود مردم کشورمان مشخص گردد.

ساعتی پس از کشتن ایرجمنه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان شهدا و پراکنده شدن مردم در خیابانهای اطراف میدان، جهت بررسی وضعیت شهدا و مجروهین به اتفاق یکی از دوستان به بیمارستان سوم شعبان رفیم. این بیمارستان توسط نیروهای مسلمان اداره می‌شد و بهمین دلیل و با توجه به نزدیکی به میدان شهدا تعداد زیادی از شهدا و مجروهین را به این بیمارستان منتقل کرده بودند. کلیه اطاقهای بیمارستان و حتی راهروها و سالن اصلی تبدیل به درمانگاه شده بود و مجروهین زیادی در کنار دیوارها روی زمین خوابانده شده بودند. اولین مجروحی که جلب توجه ما نمود جوانی حدود بیست و دو ساله بود که خنده از لب برنمی‌گرفت. حالت ظاهری او طوری بود که هیچگونه اثری از جراحت و یا ناراحتی را نشان نمی‌داد. وقتی علت ناراحتیش را پرسیدم گفت در میدان شهدا به اتفاق یک گروه از برادران ستونی ما بین ارتش و خواهانی که در صف اول تظاهرات بودند ایجاد کرده بودیم و این به خاطر حفاظت از خواهان بود. زمانی که تیراندازی شروع شد به علت فشار جمعیت بداخل جوی کنار خیابان افتادم و هیچ احساس ناراحتی نیز نداشتم، اما وقتی می‌خواستم بلند شوم دیدم نمی‌توانم و آن زمان مطلع شدم که از ناحیه

مورد نیاز به نظر می‌رسید در میان جمعیت توزیع می‌کردند و سعی می‌نمودند از این طریق خستگی راه را از تن هموطنان خود بزدایند. در این مورد افرادی بودند که سکه‌های دوریالی آماده برای تماس تلفنی به انبو جمعیت تظاهر کننده ارائه می‌دادند تا مبادا فردی از کار ضروری و ارتباط اضطراریش باز بماند.

نکته مهم این است که اتفاقات فوق در میان مردمی بوقوع می‌پیوست که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به بعد برآنان آیه یاس خوانده و آنها را به نفع شخصی و بیرون کشیدن گلیم خود از آب، فراخوانده بودند. به آنان گفته بودند: آدم عاقل با مشت به جنگ تفنگ نمی‌رود و باید مواطبه باشد تا کلاهش را باد نبرد. به آنان گفته بودند شاه سایه خدا بر زمین است و وجود او ایران را نگاه می‌دارد و هر حرکت ضد شاه به معنی حرکت بر ضد ایران است. به آنان گفته بودند که اگر شاه برود کمونیستها حاکم می‌شوند و کفرکشور را فراخواهد گرفت. اما این ملت، این مردم، این امت بپیچوچه تحت تاثیر این القایات قرار نگرفت و این تبلیغات را باور نکرد، زیرا تحولی اساسی در فکرش و تغییری بنیادی در روحش و انقلابی بنیادین در فرهنگش بوجود آمده بود و همه اینها تحت تاثیر مردمی بود که خود سالها در این راه گام برداشته بود و عبادتهاش شبانه و مجاهدتهاش روزانه، او را به رهبری انقلابی و تمام عیار تبدیل کرده بود. رهبری از تبار پیامبران و هم خانه مظلومین و مستضعفان. مرد محراب و میدان، خمینی کیمی.

نشریه رازی شانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب مقدس اسلامی را خدمت تمامی همکاران تبریک عرض نموده و امیدوار است همچون گذشته در راستای اهداف این انقلاب الهی و مردمی گام بردارد.

دکتر سید محمد صدر

برای بررسی وضع شهدا و اطلاع از کم و کیف آن به سراغ یکی از مسئولین بیمارستان رفتیم و از او خواستیم ما را در جریان امر قرار دهد. مسئولین بیمارستان که تا آن زمان (ساعت ۱ بعدازظهر ۱۷ شهریور) بدليل شلوغی اوضاع و حجم بیش از اندازه مجروهین فرصت تنظیم کارها را نیافه بودند، شهدا را در اطاق درسته بروی هم قرار داده بودند. حدود بیست و پنج شهید را در آن زمان از نزدیک دیدیم. وضعیت ظاهری آنان بخصوص نوع لباس و کفش و ... بطور کامل نشان دهنده آن بود که از اقتدار مستضعفی هستند که با خلوص تمام برای امام پیوسته‌اند و برای پیمودن این راه عزیزترین سرمایه یعنی جانشان را در طبق اخلاق گذاشته‌اند.

ذکر خاطراتی دیگر در این زمینه شاید خالی از لطف نباشد. در زمستان قبل از پیروزی، بحران انرژی مملکت را فراگرفت و نفت سفید که مهمترین وسیله گرم کننده مردم بود کمیاب شد. توزیع نفت سفید با مشکل رو برو گشت و مردم بخصوص زنان مجبور بودند ساعتها حتی در شباهای تاریک در صف باستند تا یک طرف ۲۰ لیتری نفت را دریافت دارند. به محض بوجود آمدن این مشکل، جوانان هر محل کمیته‌های توزیع نفت تشکیل دادند و طروف نفت را از منازل می‌گرفتند و پس از دریافت نفت آن را بدرب منازل می‌بردند. آنان دیگر اجازه ندادند زنان در سرمای زمستان در صفها بایستند و کمبود نفت آزارشان دهد. اینها جوانانی بودند که شاه حدود دو دهه برنامه‌ریزی کرده بود تا به فسادشان بکشد و از شر سیاسی شدنشان در امان باشد.

خطاره دیگر که تمام افراد شرکت کننده در تظاهرات آن را بیاد دارند خدمات صلواتی ارائه شده از جانب مردم به یکدیگر بود. آنان آب آشامیدنی، شربت، ساندویچ، بیسکویت، نان، میوه و هر چیزی که